

# تبدیل اغلب دبیرستانها به هنرستانها؛ تنها راه مواجهه با معضل کنکور در ایران

محمد مونسان (عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر)



## باید به سمت ترویج هنرستانها برویم/بخشی از دانشگاههای دولتی و غیردولتی به هنرستا تبدیل شود



عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر گفت: در سالهای اخیر مهندسیین زیادی تربیت کردیم که حتی یک انتگرال ساده بلد نیستند بگیرند، چون ظرفیت دانشگاهها اعم از دولتی و آزاد و پیام نور و ... را به حدی افزایش دادهایم که هر شخصی ثبت نام کند قبول می شود.

محمد مونسان در گفتوگو با ایسنا، اظهار کرد: در سالهای اخیر صحبت‌ها، یاد، در مورد تبعات منفی، معضل، و مال،

در سالهای اخیر، صحبت‌های زیادی در مورد تبعات منفی روحی و مالی کنکور بر روی دانش آموزان و خانواده‌های آنها شده است ولی راه حل‌های ارائه شده نه تنها مشکل را حل نمی‌کنند بلکه در میان مدت، شکل دیگری از معضلات را ایجاد میکنند. یکی از راه حل‌های ارائه شده، حذف کنکور و جایگزینی آن بر اساس معدل است که قطعاً بین دبیرستانهای دولتی و غیرانتفاعی، تیزهوشان و نمونه مردمی و غیره تفاوت بسیاری در نوع امتحان و کسب نمره و معدل وجود خواهد داشت. یعنی این روش در بطن خود، به نوعی بی عدالتی و خرید نمره را ترویج خواهد کرد.

وجود کنکور، علیرغم تمام معایب، یک مزیت بزرگ دارد و آن ایجاد شرایط عادلانه رقابت برای تمامی افراد و تمامی شهرها است به گونه‌ای که افراد در محرومترین و دور افتاده‌ترین روستاهای ایران هم شانس این را دارند که در بهترین دانشگاه‌های تهران و ایران پذیرفته شوند.

تنها راه مقابله با مافیا و غول کنکور این هست که حداقل ۶۰ درصد دبیرستانهای ایران تبدیل به هنرستان شوند و به همین ترتیب ۶۰ درصد دانشگاه‌های ایران (دولتی و آزاد) تبدیل به هنسراهای آموزش شغلی یا هنرورزی یا چیزی شبیه آن شوند.

واقعا سوال اصلی اینست چرا اصلا اینهمه دانشگاه و دانشجو داریم؟ آیا همه برای تحصیلات عالی ساخته شده اند؟! نتیجه کار این شده که در سالهای اخیر مهندسیین زیادی تولید کردیم که حتی یک انتگرال ساده بلد نیستند بگیرند!! چرا؟ چون ظرفیت دانشگاه‌ها (آزاد و دولتی و پیام نور و غیرانتفاعی و ...) را به حدی افزایش دادیم که هرکس ثبت نام کند قبول میشود با هر رتبه‌ای. بعد از چند سال هم بیکار تحویل جامعه میدهیم که به هیچ دردی نمیخورند بخصوص در رشته‌های علوم انسانی.

بسیاری از دانش آموزان به این دلیل به سمت دبیرستان میروند که در مناطق اطراف منزل آنها هنرستان وجود ندارد. بنده شخصا به یاد دارم که بعد از پایان دوره راهنمایی در تهران، اغلب دوستان به دنبال رفتن به هنرستان بودند ولی در ازای تعداد زیادی دبیرستان، به ندرت یک هنرستان یافت می‌شد که آنهم ظرفیت پذیرش بسیار محدودی داشت لذا اغلب بالاجبار در دبیرستان ثبت نام میکردند.

برای کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال باید هنرستانها را ترویج نمود و در همان دوران هنرستان به دانش آموزان شغل و حرفه یاد داد و آن را در مرحله هنسراها (به منزله تحصیلات تکمیلی برای هنرستانها) تکمیل کرد. در اینصورت دیگر خودبخود معضل و بساط کلاسهای کنکور و کتابهای تست زنی و سوالات کنکور و کلاسهای خصوصی جمع میشوند. می‌توان به تبع آن، سیستمی را ایجاد کرد که همه مشاغل برای دریافت مجوز کسب و کار باید دارای تحصیلات هنرستانی و هنر ورزی مربوطه باشند مانند مکانیکی اتومبیل، برق اتومبیل، سیستم صوتی اتومبیل، تعمیرات موبایل، وسایل برقی، برقکاری ساختمان، تاسیسات ساختمان، تعمیرات دستگاه‌های چاپ، نسخه خوانی داروخانه‌ها، دندانسازهای تجربی، گیاهان سنتی و حتی نجاری، بنایی، آرایشگری، ... و برای بانوان هم رشته‌های اشتغال آفرین مربوطه مانند خیاطی و هنرهای دستی و خدمات آرایشی و بهداشتی و ... یعنی برای هر یک از شاخه‌های فوق میتوان هنرستان‌های تخصصی با امکانات مناسب را فراهم نمود که قطعا راهی جز تبدیل فضای فیزیکی دبیرستانهای موجود به هنرستان ندارد.

در گذشته برخی از خانواده‌ها، فرزندان پسر خود را از تحصیل باز میداشتند و آنها را به شاگردی در اصناف می‌گماشتند تا شغل و حرفه‌ای بیاموزند ولی با ترویج هنرستانهای تخصصی، دیگر مسیر درس و اشتغال از هم جدا نخواهد بود و کاملاً منطبق خواهند بود.

اگر همین امروز چنین تصمیمی گرفته شود، اجرایی کردن آن مرحله به مرحله بوده و حداقل ۱۰ سال زمان می‌برد چراکه همه ساختار آموزش و پرورش، از ساختار جذب معلم و آموزش معلمین گرفته تا ایجاد امکانات کارگاهی و تخصصی در هنرستانها باید متحول شود. از طرفی با توجه به جاذبه تحصیل مختلط در فضاهای آموزشی برای جوانان ایجاب می‌کند که فضاهایی شبیه دانشگاه با نام هنرسراهای آموزش شغلی یا هنرورزی یا چیزی شبیه آن برای دوره‌های دو ساله یا چهار ساله ایجاد شوند. برای این مورد نیز نیازی به ایجاد فضاهای فیزیکی جدیدی نیست بلکه بخشی از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی موجود باید تبدیل به هنر سرا شوند. این مسئله ایجاب میکند که روند جذب هیات علمی در دانشگاه‌ها برای چندین سال متوقف شود چراکه حتی هم اکنون نیز بدلیل توسعه کمی لجام گسیخته و بی‌هدف دانشگاه‌ها، با مازاد هیات علمی و کمبود دانشجو مواجه هستند.

اینکه در یک کشور، نسبت تعداد دبیرستان‌ها به هنرستان‌ها چقدر باید باشد بستگی به سیاستهای کلان علم و فناوری در هر کشور دارد. مثلاً کشورهایی مانند آمریکا و آلمان و ژاپن که در صنعت و فناوری نقش پررنگ و پیشرو دارند، تمرکز بالایی رو دبیرستان‌ها دارند ولی کشورهای که در مرز دانش و فناوری حرکت نمی‌کنند و ایجاد اشتغال برای جوانان برای آنها اولویت دارد تمرکز و سرمایه‌گذاری خوبی روی هنرستانها می‌کنند. تکلیف ایران متأسفانه در این بین معلوم نیست و یک وضعیت سرگردان و بلا تکلیفی وجود دارد مثلاً ایران در مقیاس جهانی، وضعیت مناسبی در تولیدات صنعتی ندارد ولی سومین تولید کننده مهندس در جهان است (بعد از روسیه و آمریکا) و حتی بیشتر از ژاپن و کره جنوبی و فرانسه، مهندس تولید می‌کند!! در واقع ایران بدون استراتژی خاصی در تحصیلات مدرسه‌ای و دانشگاهی به پیش میرود و فقط فارغ التحصیل بیکار در سطح جامعه توزیع می‌کند. تحلیل بنده اینست که در یک بازه زمانی ده ساله باید حداقل ۶۰ درصد دبیرستانها و دانشگاه‌های ایران به هنرستان و هنر سرا تبدیل شوند و حداکثر ۴۰ درصد دانش آموزان به سمت دبیرستان و دانشگاه هدایت شوند.

در انتها باید تاکید نمود که حذف کنکور ممکن نیست چراکه کنکور دارای نقاط قوت بسیاری نیز هست مانند ایجاد عدالت آموزشی و رقابت عادلانه در همه نقاط کشور که چنین چیزی در دنیا کم نظیر هست. لذا راه حل،

پاک کردن صورت مسئله (حذف کنکور) نیست بلکه ترمیم و تدبیر آن هست یعنی کاهش تقاضای کنکور با هدایت دانش آموزان به سمت هنرستان‌ها.